روزنه

ما متهمیم!

محمدصادق کلبادی . روزنامه‌نگار

● اگر از آنهایی هستید که علت‌العلل همه گرفتاری‌های امروز جامعه ایران، از قیمت‌های نجومی گوشت و اتومبیل پراید تا ترافیک بی‌رحم خیابان‌های پایتخت و فسادهای مالی و رشد قارچ‌گونه سلاطینِ مفسدِ اقتصادی را از چشم دولت، دولتمردان و مسئولان می‌دانید و می‌بینید، بهتر است نگاهتان را برای دقایقی با این سطور پیوند دهید. نخست عینک تعصب و همه‌چیزدانی را از چشمان خود بردارید و آن را در گوشه‌ای بگذارید، بعد چشمانتان را بشویید و بخواهید که جور دیگر ببینید و بیندیشید. گاهی لازم است آدمی عاری از تعصب در برابر آینه بایستد و به خود نظاره کند و پیش از حوالت‌کردن جوالدوز بر پیکر دیگران سوزنی بر خویشتن خویش بنوازد.سبک زندگی و شیوه مصرفمان گرته‌برداری معیوبی از زندگی انسان مدرن غربی شده است. چرا می‌گویم معیوب؟ چون در همان جوامعی که افراد از نوک پا تا فرق سر در سیستم اقتصادی سرمایه‌داری و زندگی مصرفی غرق هستند به‌طور مثال در آمریکا- طبق گزارش اکونومیست- تیراژ روزنامه‌ها ۴۲میلیون‌و ۴۰۰ هزار نسخه در روز است که بعد از هند، چین و ژاپن، رتبه چهارم به این کشور اختصاص یافته است؛ آلمان و بریتانیا با ۱۶ و ۱۱ میلیون نسخه در روز در رتبه‌های پنجم و ششم قرار گرفته‌اند. اما ایران در پایین‌ترین رتبه در این آمار قرار دارد. تیراژ روزنامه‌ها در ایران حتی کمتر از عربستان است یعنی کمتر از یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار نسخه! حتی طبق آخرین آمار گاردین سرانه مطالعه کتاب در ایران روزی ۱۳ دقیقه است (که البته خوش‌بینانه به نظر می‌رسد) در حالی که این آمار برای کشورهایی مثل هند، ژاپن، آمریکا و بریتانیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی بالای یک ساعت است. اما تأمل‌برانگیزتر آن است که ایران در خاورمیانه پس از عربستان رتبه نخست در مصرف لوازم آرایشی را دارد و به‌طور متوسط زنان ایرانی سه برابر زنان کشورهایی مثل آلمان و بریتانیا برای مصرف لوازم آرایشی هزینه می‌کنند. در چنین شرایطی عطش میل به زیبایی و مصرف، ایرانیان را در انجام عمل جراحی زیبایی بینی- طبق آمار ژورنال رینوپلاستیک در سال ۲۰۱۷- در رتبه سوم جهان قرار داده است. برای درک فضای موجود و فقدان آگاهی در حوزه عمومی نیازی به ارائه آمار نیست. کافی است نگاهی به رفتار روزمره خود نظر بیندازیم؛ وقتی از حقوق شهروندی سخن گفته می‌شود، انگشت اتهام به سمت ساختارهای سیاسی و عملکرد دستگاه‌های فرهنگی روانه می‌شود حال آنکه فقط در یک مورد کیفیت رانندگی ما در خیابان‌ها خود نشان از بی‌توجهی عمیق در فهم ما از حقوق شهروندی دارد. از محیط زیست و خطر آلودگی آن که سخن گفته می‌شود باز نگاه‌ها به سمت دولت می‌رود و انتقادها از نبود برنامه برای حفظ آن. اینها همه هست اما گویی وظیفه مردم رعایت‌نکردن ساده‌ترین نکات محیط‌زیستی و شهروندی است و وظیفه دولت جمع‌کردن بی‌مبالاتی‌ها و هنرنمایی‌های ما در خیابان‌ها، فضاهای سبز، سواحل و جنگل‌ها. شاید هم برخی منتظر چوب تَر هستند در بالای سرشان و قانونی برای مجازات! مگر مدیران برخی کارخانه‌های صنعتی -که شاید سهم زیادی در آلودگی محیط زیست داشته باشند- از خصولتی تا دولتی، جدای از مردم هستند؟ یا آنها که ید طولایی در قاچاق کالا دارند و دلال سکه و ارز هستند، یا همان مسئولان و معاونانی که در سطوح نه چندان بالای مدیریتی مشغول هستند و خبر اختلاس‌های چندهزارمیلیاردی آنها را خوانده و شنیده‌ایم یا ناظرانی که از بی‌نظارتی‌هایشان شکوه می‌کنیم، از خارج از ایران آمده‌اند؟ در فرهنگ دیگری رشد کرده‌اند و از جنس مردم نیستند؟حال در شرایط کنونی در جامعه‌ای که روزنامه‌ها، نشریات و کتاب‌ها در غربت محض به سر می‌برند به‌طوری که حتی بسیاری از روزنامه‌نگاران نیز مطالب همکاران خود را نمی‌خوانند- خود گوییم و خود خندیم!- نویسندگان و اصحاب قلم و اندیشه در انزوا و فراموش‌خانه اذهان مردم جای گرفته‌اند چگونه می‌توان ارتقای بینش سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تغییر و بهبود شرایط را از توده‌های عوام توقع داشت؟ آگاهی خلق‌الساعه نیست و فرایندی است تدریجی و حاصل مطالعه و میل به دانستن و اعتراف به ندانستن. خدایش رحمت کند «ابن یمین» را که می‌گفت: آن کس که نداند و نداند که نداند/در جهل مرکب ابدالدهر بماند. چنین جمعی اگر به هر یوتوپیایی مهاجرت کنند و شهروند آنجا شوند و دموکراتیک‌ترین نظام‌های دنیا نیز بر آنها حکومت کنند، دیری نمی‌پاید که سیستم آرمان‌شهر را نیز فاسد می‌کنند، اگر کارمند نهادهای دولتی آنجا شوند یا از زیر کار در خواهند رفت، یا با ارباب‌رجوع تندی می‌کنند و بی‌توجه به ارزش وقت افراد آنها را برای یک امضا ساعت‌ها معطل و سرگردان خواهند کرد! در صورت فعالیت اقتصادی با خوی دلالی و خودخواهی، قوانین را هم دور خواهند زد و با نفوذ به ساختار سیاسی به تدریج همه هنرهای خود را عیان می‌کنند به طوری که در مدتی کوتاه، خوی اربابی به همه مسئولان جزء و کُل سرایت خواهد کرد. مسئول خود را ارباب می‌داند و شأن ارباب هم اجل از پاسخ به رعیت است! به سخن دیگر در طرفه‌العینی ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یوتوپیا را هم فشل می‌کنند. دیگر این خودکرده را تدبیر نیست.آری ما مردم متهمیم اما هیچ‌گاه در جایگاه متهم ننشسته‌ایم و این هم آفتی است که پوپولیست‌ها به جان ما انداخته‌اند و با تکرار شعارهایی مانند مردم آگاه‌اند و... مانع از خودآگاهی و تغییر جامعه می‌شوند چراکه تغییر آگاهانه، مغایر دوام و بقای مدیریت یا توسعه ثروت و رونق بازارشان خواهد بود.

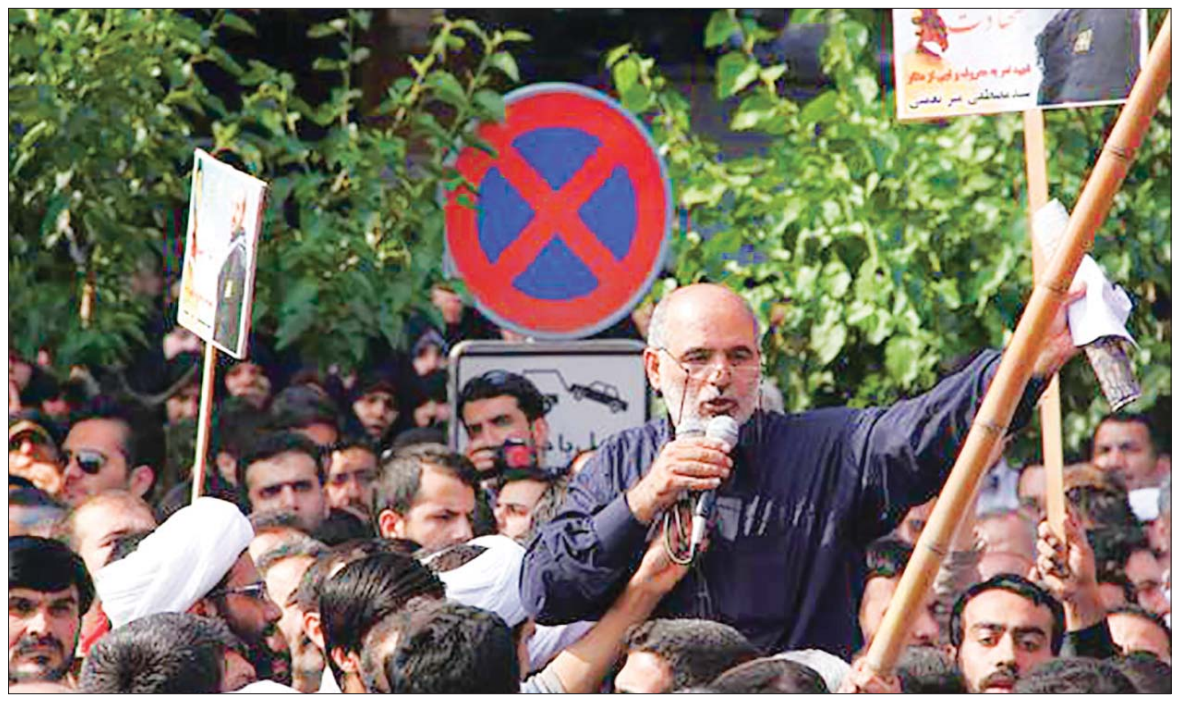

انصار دیروز، امروز کجا هستند؟

مهسا جزینی: محمدعلی ابطحی روزی گفته بود: «ما در کار خودمان موفق بوده‌ایم؛ چراکه چماق‌دار سابق به کارگردان تبدیل شده و این روند خوبی است». این روایت بسیاری از چهره‌های گروه فشار نه‌تنها در سال‌ها و دهه‌های گذشته بلکه همین سال‌ها و ماه‌های اخیر است. گزارش ما به بررسی برخی از این چهره‌ها پرداخته است و اینکه این‌روزها کجا هستند؟ چه می‌کنند و شغلشان چیست؟

درسینما

مسعود ده‌نمکی در دهه ۷۰ به همراه حسین الله‌کرم در قالب جمعیت انصار حزب‌الله پرچم‌دار حمله به جمع‌ها یا برنامه‌هایی بود که باب‌میلش نبود. هرازگاهی هم تجمعات خیابانی برگزار می‌کردند. آنها در آن زمان به گروه فشار معروف بودند. ده‌نمکی سال‌هاست از انصار حزب‌الله جدا شده و به فیلم‌سازی روی آورده است. او برخلاف همتایش یعنی حسین الله‌کرم که هنوز گاهگاهی در خیابان دیده می‌شود، دیگر به خیابان بازنگشت؛ گرچه گفته شده از وادی فیلم‌سازی نیز خداحافظی کرده است، اما هیچ اطلاعی مبنی بر قصدش برای بازگشت به خیابان نیز در دست نیست. ابطحی گفته بود: «خوشحالم ده‌نمکی از آتش‌زدن سینما به فیلم‌سازی رسیده است». او از مستند «فقر و فحشا» و «کدام استقلال، کدام پیروز»، به ساخت سه‌گانه اخراجی‌ها و رسوایی و معراجی‌ها و زندانی‌ها رسید. ده‌نمکی گویا علاقه زیادی هم به ارائه واج‌آرایی در نام‌گذاری فیلم‌هایش دارد؛ فیلم‌هایی که بیشتر در رده فیلم‌های عامه‌پسند قرار می‌گیرند. او در زمینه اسارت نیز کتاب‌هایی چاپ کرده است.

درسوریه

صادق اشک‌تلخ، مسئول انصار حزب‌الله کرمانشاه است. به‌تازگی فیلمی از یکی از مدافعان حرم در سوریه منتشر شد که اشک‌تلخ هم در آن دیده می‌شود. مقر و دفتر اصلی انصار حزب‌الله کرمانشاه در میدان آیت‌الله کاشانی شهر کرمانشاه قرار گرفته و «حیدریه» نام دارد؛ محلی که از سوی شورای شهر و بعد از یک‌سری ماجرا به آنها واگذار شد. ابتدا مراسم مذهبی آنجا برگزار می‌کردند؛ اما آن‌طور که منابع موثق محلی می‌گویند، حالا آنجا را غرفه‌بندی کرده‌اند؛ بخشی از آن زورخانه است، بخشی نمایشگاه عکس و باقی غرفه‌ها نیز ساندویچی، نانوایی، خوراکی‌فروشی، پارکینگ و... که اجاره داده می‌شوند. حمله به سخنرانی آقاجری در سال‌های دور و مخالفت با برگزاری کنسرت در سال ۸۹، در کوله‌بار کاری انصار حزب‌الله کرمانشاه دیده می‌شود.

درخانه

عبدالمجید محتشم، دبیرکل انصار حزب‌الله تهران است. او از پایه‌گذاران انصار حزب‌الله به همراه الله‌کرم بود. محتشم مدیرمسئول هفته‌نامه معروف یالثارات نیز بود. یالثارات که از سوی هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف شده بود، مدتی با دستور قضائی به صورت موقت منتشر می‌شد؛ اما در نهایت در سال ۹۵ از سوی هیئت نظارت لغو مجوز شد. این‌طور که شنیده شده، محتشم فعلا شغل خاصی ندارد و بی‌کار است. او که جانباز جنگ نیز هست، این‌روزها گویا درگیر مسائل درمانش است. دبیرکل انصارحزب‌الله گفته بود «اگر نشریه را ببندند و دایره را تنگ‌تر کنند، یک راهش این است که ما خودمان جلوی این قضیه بایستیم و اگر این مسئله اقتضا کند، ما این کار را انجام می‌دهیم»؛ اما حالا ۲۰ سال از دهه ۷۰ گذشته و احتمالا دیگر هم شرایط سنی و هم جسمی به محتشم این اجازه و امکان را نمی‌دهد که مانند گذشته سفت و محکم جلوی خیلی از چیزها بایستد.

یک پا در دانشگاه، یک پا در خیابان

حسین الله‌کرم شاید مشهورترین چهره جریان «انصار حزب‌الله» بود که از آنها جدا شد و رئیس کنونی شورای هماهنگی حزب‌الله است. برخی ریشه این جدایی را اختلافات فکری می‌دانند؛ اما محتشم گفته: آقای الله‌کرم اکنون کارهای دیگری دارد. ایشان در هیئت رزمندگان بود و نمی‌توانست برای همیشه با ما باشد. او این‌روزها کمتر در خیابان و بیشتر در دانشگاه است. مدتی هم در کرواسی بود؛ پس از روی‌کارآمدن محمود احمدی‌نژاد در اوایل سال ۸۶ به‌عنوان وابسته نظامی ایران در این کشور برگزیده شد. الله‌کرم بامداد روز سه‌شنبه بیستم فروردین ۱۳۸۶ تهران را به مقصد زاگرب ترک کرد تا چند سالی هیچ فعالیت ویژه‌ای در ایران نداشته باشد و به گونه‌ای از فضای سیاسی ایران دور نگه داشته شود. بااین‌حال این‌روزها هرازگاهی در تجمعات خیابانی دیده می‌شود؛ اگرچه دیگر مانند دهه ۷۰ محوریت این تجمعات با او نیست و رقیبان دیگری هم برای او پیدا شده‌اند. الله‌کرم در رفت‌وآمد به «زاگرب» بود که خبر رسید او دکترای علوم سیاسی می‌گیرد؛ آن‌هم از تهران. سال ۸۸ در دانشگاه علوم‌وتحقیقات از رساله دکترای خود با عنوان «توسعه سیاسی در دوم خرداد» دفاع کرد؛ الله‌کرم که در جناح راست متهم به رفتارهای تندروانه در دهه ۷۰ بود، داشت اصلاح‌طلبی را در رادیکالیسم سیاسی تئوریزه می‌کرد. استادانش به او نمره ۱۹ دادند. دکتر ساعی، دکتر زیباکلام، دکتر متقی، دکتر ازغندی و دکتر طاهری استادان و داوران حاضر در جلسه بودند. این‌روزها او مسئول برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه آزاد است و در برخی واحدهای دانشگاهی دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های دیگر نیز تدریس می‌کند.

مجتمع‌سازی برای اهل حق

حمید استاد، مسئول انصار حزب‌الله مشهد است و آن‌طور که خودش گفته، بعد از جدایی الله‌کرم از محتشم، او به الله‌کرم نزدیک شده است. او گفته بود: الله‌کرم هیچ‌وقت از حزب‌الله نرفت، بلکه به‌خاطر کارکردهای جدید حزب‌الله و اینکه حزب‌الله باید برنامه‌های مختلفی داشته باشد، گروه‌ها و جریان‌های دیگر را به وجود آورد و به آنها ملحق شد. آن‌طور که گفته شده، از سوی انصار حزب‌الله به او مأموریت داده‌اند به کرمانشاه برود. می‌گویند از بعد از زلزله به آنجا رفته و در کار سازندگی است.

اگرچه خودش به اینکه این مأموریت شخصی اوست یا مربوط به حزب‌الله، اشاره نمی‌کند؛ ولی درباره اینکه این روزها کجاست و چه می‌کند، می‌گوید: «من طلبه هستم و حوزه می‌روم. یک‌سال‌و نیم است اینجا هستم. به منبع درآمدش هم اشاره نمی‌کند و می‌گوید موضوعی شخصی و خصوصی است». استاد درباره اینکه در کرمانشاه چه می‌کند، می‌گوید: «ما از زمانی که زلزله رخ داد، عازم کرمانشاه، سرپل‌ذهاب و دشت ذهاب شدیم. شروع به کار کردیم. از کمک‌های مالی گرفته تا توزیع اقلام. نیاز منطقه را بررسی می‌کردیم و براساس آن کمک می‌کردیم؛ مانند ساخت خانه‌های اسکان موقت یا حمام و دستشویی و شروع کردیم و حتی کمک به ساخت خانه‌های مردم». او می‌گوید الان در حال ساخت یک مجتمع مذهبی-فرهنگی- آموزشی برای جامعه بزرگ اهل حق منطقه هستیم».

صاحب چند نشریه

کمیل کاوه مسئول انصار حزب‌الله اصفهان است که در جریان اکران فیلم آدم‌برفی در اصفهان و حمله به سینماهای اکران‌کننده این فیلم، متهم و محکوم شد. اسفند ۷۹ به ایسنا گفته بود که به خاطر اخلال در نظم، به ۴۵ روز حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شده است. اگرچه خودش گفته بود که این حکم همراه با تعهدنامه‌اش مبنی بر اعتراف به اشتباه خویش در آغاز درگیری با عناصر حزب‌اللهی به دادگاه محترم تسلیم شده بود. او با اشاره به اینکه من به‌عنوان سردمدار حمله به سینما معرفی شده بودم، گفته بود: «اصلا در آن روزها اصفهان نبودم و به خاطر مسافرت به مشهد مقدس توفیق حضور و همراهی با برادران حزب‌اللهی در این اعتراض را نداشته‌ام». امیرحسین کاوه، برادر کمیل کاوه که دبیر سندیکای تولیدکنندگان لوله و پروفیل فولادی ایران است، درباره اینکه برادرش این روزها چه می‌کند، به «شرق» می‌گوید که برادرش طلبه است و این روزها در حوزه انتشارات کار می‌کند و چندین نشریه برای مقاطع مختلف تهیه می‌کند. از مقطع کودکستان تا دانشگاه و حتی برای حوزه علمیه هم در اصفهان نشریه منتشر می‌کند!

صاحب یک فست‌فود

حجت‌الاسلام حسن کردمیهن یکی از لیدرهای حمله به سفارت عربستان بود؛ اگرچه او به لحاظ تشکیلاتی ارتباطی با جریان حزب‌الله نداشت؛ اما به لحاظ کنشی و فکری به نظر می‌رسد که بسیار به هم نزدیک هستند. او از نزدیکان قالیباف هم هست. خودش گفته که شهرداری تهران و آقای قالیباف از کار فرهنگی ما در تهران حمایت زیادی کرد. او که الان در کرج یک فست‌فود راه‌اندازی کرده، به نشریه خیمه متعلق به محمدرضا زائری گفته است: «چون بی‌کار بودم و به درد نظام نمی‌خوردم و نظام به ماها نیازی ندارد، رفتم و فست‌فود راه انداختم. گاهی انگار هرکسی چاپلوس‌تر باشد، در جای بالاتری قرار می‌گیرد. ما اهلش نیستیم. من پنج فرزند دارم. یکی، دو تا نیستند و ما خانواده بسیار پرخرجی هستیم و سفره داریم و اداره آن با پول‌های مسخره ما ممکن نیست. من هم می‌خواستم از جایی پول دربیاورم. پس اول برای معاش و دوم از سر بی‌کاری». مدتی بعد از حمله به سفارت عربستان سخنگوی وزارت کشور سرنخی از آمر حمله به سفارت عربستان داد و از فردی گفت که در شهر کرج زندگی می‌کرده است. ایلنا همان زمان نوشت که پیگیری‌هایش او را به فردی به نام «حسن کردمیهن» رسانده؛ فردی که برای خود بروبیایی دارد و مغز متفکر حمله به سفارت عربستان خود او بوده است. اگرچه کردمیهن به خیمه گفته است که «من به بچه‌ها نگفتم به آنجا (سفارت عربستان) بروند. من به هیچ کسی نگفتم کوکتل‌مولوتف درست کند. به هیچ‌کس نگفتم اتوبوس بگیرید. من به هیچ کسی نگفتم نیروی انتظامی را کنار بزنید و بروید داخل! وقتی بچه‌ها به خانه‌های‌شان برگشته و خواب بودند، من در حمص سوریه آنلاین شدم. دیدم ۳۰۰ پیام در گروه شهید خلیلی آمده است». کردمیهن بعد از بازگشت از سوریه به ایران بازداشت شد و پس از مدتی هم آزاد شد.

کارشناس صداوسیما

به‌تازگی دو عکس در فضای مجازی از فردی منتشر شده است. این فرد با اسم و هویت واقعی در توییتر هم اکانت دارد. در عکس دوم، او در حال حمله است و در عکس اول به‌عنوان کارشناس رسانه در صداوسیما حاضر شده. در توضیحات عکس دوم آمده بود که او یکی از حمله‌کنندگان به سفارت عربستان بوده که بعدا به‌عنوان کارشناس در صداوسیما هم دیده شده؛ اما خودش در توییتر با بازنشر این عکس‌ها نوشته که آن عکس مربوط به عاشورای ۸۸ است و نه سفارت عربستان. سیدپویان حسین‌پور در توضیحات بیشتری در توییتر نوشته است: «پرونده‌سازی می‌کنند که یکی از عوامل حمله به سفارت عربستان شناسایی شده و... . این عکس برای حمله به سفارت عربستان که من از مخالفانش بودم، نیست و مربوط به عاشورای ۸۸ است». بعد هم درباره عکس اول نوشته است: «عکس حضور بنده در شبکه افق، در کل یک بار در سال ۹۴ اتفاق افتاده؛ نه الان». بعد هم در توضیح بیشتری درباره عکس دوم نوشته است: «اگر درست یادم مانده باشد، جایی حوالی خیابان بهار و خیابان سمیه... عکس اصلی که بزرگ‌تر و کامل‌تر هم بود، عکسی حرفه‌ای و شبه‌پانوراماست که روز بعدش منتشر شد و کل عرض خیابان و جزئیات زیادی را ثبت کرده بود...».

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● بیشترین آلودگی هوا مربوط به موتورسیکلت‌های قدیمی است. چرا دولت طرحی برای خرید و اسقاط کردن این موتورسیکلت‌ها ندارد!

● پرداخت‌نکردن دو مرحله دیگر از مبلغ بسته حمایتی به هموطنان واجد شرایط با وجود وعده قطعی باعث انتظار بیجا و ناراحتی واجدان شرایط به‌ویژه بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی با حقوق زیر سه میلیون شده است. این بسته‌ها می‌توانست قدرت خرید این گروه ضعیف را در شب عید افزایش دهد.

● طرح تشویق یا جریمه مشترکین پرمصرف یا کم‌مصرف فقط برای ساختمان‌ها و مغازه‌های ویلایی و مستقل قابل تعریف است و برای مجتمع و آپارتمان‌ها که از کنتور مشترک استفاده می‌کنند غیرقابل تشخیص بوده و قطعا عادلانه نخواهد بود.

● از برنامه‌های شاد و فیلم‌های شاد و سرگرم‌کننده و کمدی در تلویزیون خبری نیست! افسردگی در بین مردم به‌خصوص بازنشستگان که تفریحی جز تلویزیون ندارند، رو به افزایش است.

● **سخنان بدون بازده:** سخنان مسئولان درباره رسیدگی به گرانی بسیار دلنشین اما بدون بازده است. تا به حال چند قلم کالا یا مواد غذایی ارزان شده است؟ قیمت گوشت از مرز کیلویی صد هزار تومان هم گذشت!

علی از تهران

● **درخواست از سازمان نظام وظیفه:** از سازمان نظام وظیفه تقاضا داریم به مناسبت فرارسیدن سال نو اضافه‌خدمت سربازان را ببخشند و با این کار سربازانی را که اضافه‌خدمت دارند، شاد و خوشحال کنند.

عرفانی

● **بازار ناایمن:** میدان سرآسیاب منطقه ۱۴ بازار قدیمی میوه‌وتره‌بار دارد؛ به علت ایمن‌نبودن هر لحظه احتمال حوادث ناگوار وجود دارد. از شهردار منطقه تقاضای ایمن‌سازی بازار یادشده را داریم.

افسانه فروغی

● **مهار گرانی:** مسئولان برای ارزانی کارهای درخورتوجهی انجام دهند و گرانی را مهار کنند تا مردم بیشتر احساس خوشبختی کنند.
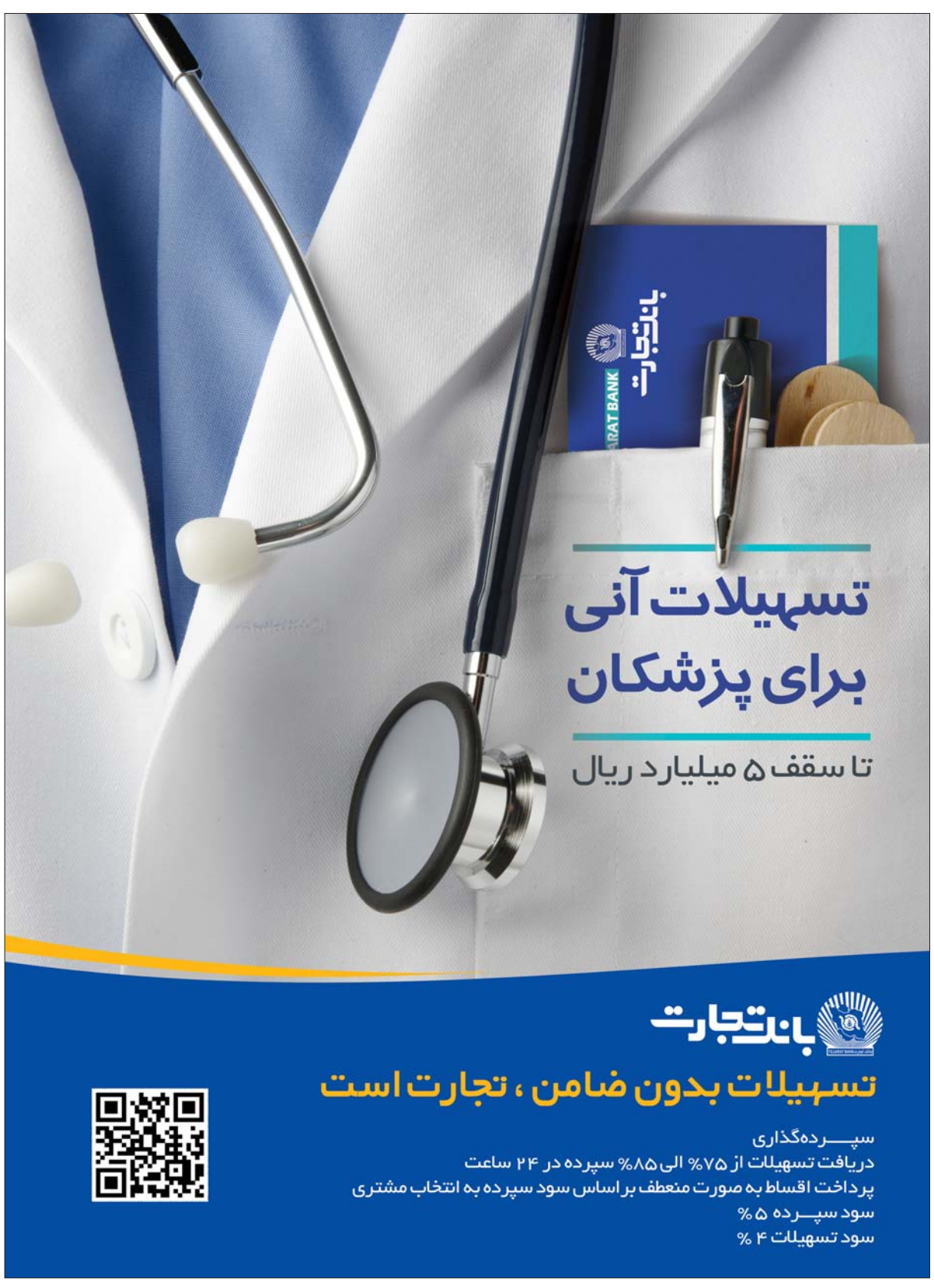
یک مخاطب